

بررسی و نقد کتاب «اقتصاد از نگاهی دیگر»

وحید مقدم*

هادی امیری**

چکیده

کتاب «اقتصاد به روایت دیگر» تألیف موسی غنی‌نژاد، از معدود کتب تألیفی و خوش‌خوان به زبان فارسی است. این کتاب با نثری روان و محتوایی تأثیرگذار و با یک جهت‌گیری فکری خاص، که از آن عنوان آن نیز قابل درک است، نوشته شده است. کتاب به اندیشه ۱۹ اقتصاددان چه مشهور و چه کمتر شناخته شده از توماس آکوئینی تا داگلاس نورث، کوز و بوکانان می‌پردازد. نویسنده مطابق ذوق فکری خود با رویکرد اتریشی به خوانش اندیشه این اقتصاددانان و پررنگ کردن همراهی‌ها و تعارضات فکری آنها با این مکتب پرداخته است. کتاب بیشتر مناسب آشنایان با دانش اقتصاد و تاریخ اندیشه‌های اقتصادی است و نمی‌تواند به عنوان یک کتاب درسی محسوب گردد. در عین حال هدف مولف ورود به عمق اندیشه‌های اقتصادی نبوده و هدف آشناکردن مخاطبان با رؤس اندیشه اقتصاددانان کمتر شناخته شده و نحوه قرار گرفتن آنها در خیمه نظام لیبرالی مدنظر است. درباره معرفی افکار اندیشمندان بنام اقتصادی همچون آدام اسمیت، مارکس و کینز نیز دچار سوگیری ارزش داور شده و در عیارسنجی ارزش اندیشه‌های آنان در بستر زمان خود و پیشرفت دانش اقتصاد چندان موفق نیست. با وجود این نقدها، کتاب به‌عنوان یک متن تأثیرگذار و روشنگر اندیشه‌های دسته بزرگی از اقتصاددانان موثر در سیاست‌گذاری اقتصادی ایران مطرح است.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، موسی غنی‌نژاد، مکتب اقتصاد اتریشی، تاریخ اندیشه اقتصادی.

* دانش‌آموخته اقتصاد و استادیار دانشکده اهل‌البیت، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)

v.moghadam@ahl.ui.ac.ir

** استادیار گروه اقتصاد، دانشگاه اصفهان، h.amiri@ase.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸

۱. مقدمه

توجه به سیر اندیشه اقتصادی یکی از موضوعات مهم در آموزش اقتصاد و پیش نیاز مهم برای جریان شناسی اندیشه‌های اقتصادی است و به همین دلیل اقتصاددانی که سیر اندیشه‌های اقتصادی را نمی‌داند در حقیقت برده چند اقتصاددان گذشته است.^۱

اقتصاددانان مختلفی در این زمینه به تحقیق مشغول هستند و با کاوش آثار پیشینیان به دنبال بررسی سهم آنان در اندیشه اقتصادی، یافتن اندیشه‌های مغفول آنان و ارایه خوانش و روایت‌های نو از اندیشه‌های آنان هستند. هر چند با ورود ترجمه‌ای علم اقتصاد به ایران، درس سیر اندیشه‌های اقتصادی نیز در برنامه درسی تقلیدی آن قرار گرفت و خیلی زود کتاب‌های ترجمه‌ای و تألیفی این حوزه نیز در بازار عرضه شد، اما نتوانست با سایر حوزه‌های اقتصاد مثل خرد و کلان رقابت کند. به علاوه کتاب‌های تألیفی سیر اندیشه‌ها چنان رنگ بوی مدل‌های اقتصاد خرد و کلان را گرفتند که تمایز بین سیر اندیشه‌ها و اقتصاد خرد و کلان، مشکل شد. یک دلیل مهم این امر، غفلت از مباحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اقتصادی ضمن توجه به سیر اندیشه‌های اقتصادی است. طبیعی است که اگر قرار نباشد اندیشه‌های اقتصادی با ابزار مناسب خود بررسی شود، به‌ناچار باید نظریه اقتصادی به همان صورتی که در خرد و کلان طرح می‌شود، ارائه شود. اما اگر قرار باشد اندیشه‌های اقتصادی مورد واکاوی قرار گیرد، نیازی به تکرار نظریه اقتصاد خرد و کلان نبود و در عوض، سیر اندیشه‌های اقتصادی با نگاه فلسفه علم و تاریخ علم مورد بررسی قرار می‌گرفت.

کتاب ترجمه‌ای و تألیفی سیر اندیشه‌های اقتصادی در ایران، تا آنجا که نگارندگان اطلاع دارند، چندان بیشتر از انگشتان دو دست نیست، که از کتب ترجمه‌ای باید به بلاگ (۱۳۷۵)، ژید و ریست (۱۳۸۱)، ایسینگ و همکاران (۱۳۷۴)، شومپتر (۱۳۷۵)، رایبیز (۱۳۸۴) و سمیولز و مدما (۱۳۹۱)، و از کتب تألیفی باید به قدیری اصلی (۱۳۷۶)، تفضلی (۱۳۸۶)، دادگر (۱۳۸۹)، غفاری (۱۳۸۹) و غنی‌نژاد (۱۳۹۱) اشاره کرد. از این میان، عمده کتب ترجمه‌ای به هر دلیل (که از جمله آنها باید به غیرروان بودن متن ترجمه‌ای اشاره کرد!) چندان با اقبال مواجه نشده‌اند، از جمله رایبیز، بلاگ، ایسینگ و شومپتر و تنها در یک نوبت نیز چاپ شده‌اند، تنها استثناء کتاب ژید و ریست است که آخرین چاپ آن مربوط به سال ۱۳۹۵ بوده و در برخی از دانشگاه‌های معتبر به عنوان کتاب درسی تدریس شده است. در عوض کتب تألیفی فارسی به دلیل سادگی متن و بعضاً تکرار مباحث اقتصاد

خرد و کلان، که کار استاد و دانشجو را راحت می‌کند! بارها تجدید چاپ شده اند و غرض اصلی از تألیف آنها نیز معرفی به عنوان کتاب درسی بوده است. در این میان یکی از استثنائات را باید کتاب غنی‌نژاد (۱۳۹۱) دانست^۲ که نه با غرض تبدیل به کتاب درسی تألیف شده و نه ترجمه صرف است. آشنایی نویسنده کتاب با مباحث معرفتی و روش‌شناسی علم اقتصاد سبب شده، این کتاب از تألیفات موجود که بیشتر کتاب اقتصاد خرد و کلان هستند و نه سیر اندیشه‌های اقتصادی، فاصله گرفته و ارزش نقد شدن را دارا باشد. مقاله حاضر با چنین هدفی نگارش یافته و تلاش می‌کند ابعاد مختلف این اثر را مورد واکاوی قرار دهد. برای این منظور ابتدا نویسنده و سپس کتاب معرفی شده و کتاب از دو جنبه شکلی و محتوایی مورد نقد قرار می‌گیرد.

۲. معرفی نویسنده و چکیده کتاب

۱.۲ معرفی نویسنده

نویسنده، موسی غنی‌نژاد اهری، متولد سال ۱۳۳۰ تبریز و دانش‌آموخته کارشناسی حسابداری از دانشگاه تهران است که به دلیل علاقه به دانش اقتصاد تغییر رشته داده و با عزیمت به فرانسه مدارک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در رشته اقتصاد توسعه از دانشگاه سوربون دریافت کرد. همچنین دارای سابقه تحصیل در معرفت‌شناسی اقتصاد نیز هست. وی سال‌ها در دو دانشگاه صنعت نفت و صنعتی شریف به تدریس اشتغال داشته است. علائق پژوهشی وی بیشتر در حوزه‌های فلسفه، معرفت‌شناسی و تاریخ عقائد اقتصادی قرار دارد و عمده آثار وی در قالب مصاحبه و کتاب منتشر شده است. ایشان را باید جزء مدافعان پرشور اقتصاد اتریشی در کشور دانست که ابایی هم از پنهان کردن آن ندارد و در آثار مختلف خود به دنبال ترویج آموزه‌های این مکتب به ویژه لیبرالیسم اقتصادی و تبیین مشکلات اقتصاد ایران بر اساس دستورالعمل‌های آن است. از میان اندیشمندان مکتب اتریش به هایدک علاقه زیادی دارد و مهم‌ترین و آخرین اثر وی یعنی قانون، قانون‌گذاری و آزادی را ترجمه نموده است.

۲.۲ معرفی اثر

کتاب اقتصاد به روایت دیگر ابتدا در سال ۱۳۹۱ و سپس در سال ۱۳۹۴ در ۲۵۵ صفحه چاپ و منتشر شده است. این کتاب به بررسی تفکرات ۱۹ اندیشمند اقتصادی می‌پردازد، از

توماس آکوئینی، اندیشمند مدرسی قرن سیزدهم میلادی تا اندیشمندان معاصر در قید حیات از جمله گری نورث و هرناندو دسوتو و اقتصاددانان اخیراً در گذشته همچون بوکانان، داگلاس نورث و ماری رُتبارد. آن چنان که پیش گفتار بیان می‌کند، این کتاب "مجموعه مقالاتی است که ویرایش نخست آنها در ضمیمه تحلیلی ماهانه روزنامه دنیای اقتصادی در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷ منتشر شده است" (ص ۹). معمولاً تاریخ اندیشه‌های اقتصادی یا بر محور مکاتب فکری یا بر محور اندیشه‌های متفکران بزرگ نوشته می‌شود. رویکرد اول عمومی‌تر و رویکرد دوم کمتر دیده می‌شود، البته رویکردهای ترکیبی هم وجود دارد. با این وجود چون نویسنده به دنبال آموزش عقائد به شیوه رایج نیست، رویکرد سومی را برگزیده که در پیش‌گفتار صراحتاً بیان شده است: اولاً معرفی متفکران و نمایندگان مکاتبی که کمتر در نوشته‌های فارسی مورد توجه قرار گرفته‌اند از جمله باستیا، کانتیون، و ساموئل بیلی و ثانیاً بازخوانی متفاوت اندیشمندان شهری چون اسمیت، مارکس و کینز. این مطلب تا حدی از عنوان انتخاب شده برای کتاب نیز معلوم است که نویسنده بنا ندارد صرفاً روایت رسمی از اندیشه‌های اقتصادی را بازنویسی کند. برای نیل به این هدف، نویسنده از پیش آموزه‌هایی را پذیرفته و با طرح رؤس اندیشه‌های یک متفکر به بر اساس این آموزه‌ها به صراحت یا بصورت ضمنی و بدون ورود علمی عمیق به نقادی آنها می‌پردازد. این امر موجب می‌شود که در نقد حاضر، بعد علمی چندان موضوعیتی نداشته باشد.

۳.۲ چکیده اثر

با توجه به آن که خلاصه کردن این کتاب عملاً ناممکن است، بجای آن تلاش می‌شود خطوط کلی اثر بیان شود، اگرچه انجام این کار در چند پاراگراف نیز عملاً دشوار است:

نظریه ارزش ذهنی: نویسنده با پذیرش این نظریه و به فراخور تفکرات اقتصاددان مورد بررسی، در فصول مختلف با نظریه ارزش کار مقابله کرده و اندیشمندان معتقد بدان را متهم به انحراف دانش اقتصاد از مسیر خود نموده و در عوض نظریه ذهنی ارزش را به‌عنوان دستاورد بزرگ اقتصاد مدرن محسوب می‌کند. چنانکه در بررسی اندیشه‌های گری نورث دائماً نظریه ارزش ذهنی وی را می‌ستاید و از سایر اندیشه‌های او بحثی به میان نمی‌آورد.^۳

اهمیت مکانیسم قیمت‌ها در تخصیص منابع و انتقاد از دخالت دولت در بازار: نویسنده با قائل شدن اهمیت بسیار برای دست نامرئی (احتمالاً حتی بیش از خود آدم

اسمیت!)، به اقتصاد کینزی تاخته و بیان می‌کند که در تجربه نیز سیاست‌های از نوع کینزی تنها موجب رکود تورمی شده و نتایج مورد انتظار را به بار نیاورد. لذا دولت باید از هر نوع دخالتی در بازار که موجب آسیب دیدن سازوکار قیمت‌ها یا مغشوش شدن قیمت‌های نسبی می‌شود، بپرهیزد.

اهمیت رقابت اقتصادی و تأکید بر آزادی فردی در ابعاد مختلف سیاسی - اقتصادی: در درازمدت آنچه موجب توسعه اقتصادی می‌شود، رقابت در بازار است که از طریق محترم شدن حقوق مالکیت و حفاظت از آن توسط دولت و آزادی انتخاب فردی به دست می‌آید. نمود بارز این دیدگاه ضمن معرفی پیتر بوئر صفحه ۱۷۳ تا ۱۸۳ کتاب و معرفی هرناندو دسوتو صفحه ۱۸۵ تا ۱۹۳ کتاب، مشاهده می‌شود.

نقش کارآفرینان: کارآفرینان موتور محرکه اقتصاد و بازیگران اصلی نظام بازار، به مثابه یک نظام خودگردان، هستند که در تعقیب سود شخصی خود، موجب ایجاد نتایج اجتماعی بهتری نسبت به زمانی که دولت در بازار دخالت می‌کنند، می‌شوند.

مبارزه با سوسیالیسم: نویسنده یکی از رسالت‌های خود را علاوه بر نقادی علمی سوسیالیسم، مبارزه در سطح سیاست‌ها و نشان دادن نتایج تأسف‌آور برنامه‌ریزی مرکزی در کشورهای کمونیستی، که هم موجب سلب آزادی فردی و هم کاهش ثروت جامعه می‌شود. می‌داند.

مخالفت با نظریه‌های اقتصاد توسعه: سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌مدار یا کمک‌های خارجی به کشورهای فقیر، تنها موجب "سیاسی شدن زندگی اقتصادی، لطمه زدن به آزادی‌های فردی و نهایتاً ناکامی اکثریت مردم در رسیدن به رونق اقتصادی و رفاه در درازمدت می‌شود" (ص ۱۸۰).

دفاع از بهره: نویسنده با تفکیک بین ربا (به منزله قیمت فاحش و انحصاری) و بهره (به منزله قیمت رقابتی)، اولی را ناعادلانه و دومی را عادلانه و به صلاح جامعه می‌داند چرا که توسط بازار، به مثابه نظام کارای تخصیص بهینه منابع، تعیین می‌شود.

۳. نقد کتاب

برای نقد کتاب ابتدا پارادایم مبنایی اثر بیان شده و بر اساس نقدهای درون اثری و برون اثری مطرح می‌شود، سپس نقدهای شکلی (ویرایشی، نگارشی، ...) ذکر می‌شوند.

۱.۳ پارادایم مبنایی اثر

با توجه به آن که نویسنده خود را متعلق به مکتب اتریشی می‌داند، به نظر می‌رسد این فرضیه که کتاب هم با همین رویکرد نوشته شده باشد، قابل بررسی باشد. بدین منظور ابتدا اصول مکتب اتریشی بیان می‌شوند. بوتکه (Boettke) ده گزاره اصلی اقتصاد اتریشی را به صورت زیر معرفی می‌کند: (۱) تنها افراد انتخاب می‌کنند؛ (۲) مطالعه نظم بازار اساساً در مورد رفتار مبادله و نهادهایی است که درون آنها مبادله اتفاق می‌افتاد؛ (۳) واقعیات علوم اجتماعی همان‌هایی هستند که مردم می‌اندیشند و باور دارند؛ (۴) مطلوبیت و هزینه‌ها ذهنی هستند؛ (۵) نظام قیمت‌ها موجب صرفه‌جویی در اطلاعات مورد نیاز مردم برای پردازش در زمان تصمیم‌گیری‌شان می‌شود؛ (۶) تملک خصوصی ابزار تولید، شرط لازم برای محاسبه عقلایی اقتصادی است؛ (۷) بازار رقابتی فرآیند کشف کارآفرینی است؛ (۸) پول خنثی نیست؛ (۹) ساختار سرمایه شامل کالاهای ناهمگونی است که مشخصه‌های چندگانه دارند و باید هم‌تراز شوند؛ (۱۰) نهادهای اجتماعی اغلب نتیجه کنش انسانی هستند، اما نتیجه طراحی انسانی نیستند (Martin, 2015: 27).

خطوط کلی کتاب که در بخش ۲-۳ گفته شد، تا حد زیادی منطبق بر این اصول است و نشان دهنده آن است که نویسنده معتقد به مکتب اتریشی، تلاش نموده تا در قالب این کتاب درستی عقاید اتریشی را هم به لحاظ نظری و هم در عرصه سیاست‌گذاری و عمل نشان دهد. در انتخاب اقتصاددانان به ویژه اقتصاددانان توسعه، این تلاش‌ها مشهود است. اگر چه هیچ‌گاه به چنین مطلبی اذعان نمی‌کند و حتی عنوان هم صرفاً "اقتصاد به روایت دیگر" انتخاب شده، اما تصریح به چیستی آن روایت نمی‌شود، که به نظر می‌رسد همان روایت اتریشی باشد. لذا عنوان اصلی کتاب می‌توانست این باشد: "اقتصاد به روایت اتریشی"، که به هر دلیل نویسنده از تصریح آن ابا کرده است. ماری رتبارد، اقتصاددان برجسته اتریشی، نیز با اتخاذ همین رویکرد به بازخوانی تاریخ اندیشه اقتصادی در کتابی دوجلدی با عنوان "تاریخ اندیشه اقتصادی از چشم‌انداز اتریشی" پرداخته است (Rothbard, 1995).

۲.۳ نقد درون اثری

در این نوع نقد، تفکر نویسنده کتاب تلقی به قبول شده و بر اساس آن محتوای اثر مورد نقد قرار می‌گیرد که ذیلاً بدان پرداخته می‌شود:

۱. در برخی موارد بین اندیشه اندیشمند مورد بررسی و اندیشه طرفداران وی خلط صورت گرفته است. مثلاً در بیان اندیشه‌های توماس آکوئینی، به اندیشه‌های تومیس‌ها اشاره شده است. این کار در صورتی موجه است که تاریخ عقاید نه به اندیشمندان بلکه به مکاتب اقتصادی (مثلاً مکتب اسکولاستیک) بپردازد. همین اشکال به صورت اساسی‌تر در فصل کینز مشاهده می‌شود که نویسنده به کرات از اقتصاد کینزی سخن گفته است. لزوماً برداشت از کتاب نظریه عمومی کینز و بیان آن در قالب اقتصاد کینزی به معنای خود اندیشه کینز نیست، چنان که پساکینزی‌ها برخلاف کینزی‌ها، برداشت دیگری از مبانی فکری کینز دارند و خود را نسخه واقعی‌تر آن می‌دانند. این نقد به فصل مارکس نیز وارد است. کتب معتبر تاریخ عقاید اقتصادی، معمولاً آرای یک اندیشمند را از آرای پیروان مکتب وی جدا می‌کنند، مثلاً رُنکالیا (2005، Roncaglia، ۵)، آرای مارکسیسم را در آخر فصل مارکس و پس از طرح مفصل آرای خود مارکس بیان می‌کند. شاید از همین روست که اندیشمندان حوزه سیر اندیشه‌های اقتصادی، ترجیح می‌دهند بیشتر از منابع دست اول^۴ استفاده کنند. استفاده محدود از منابع دست اول^۵ در این کتاب در مقایسه با کتب سیر اندیشه‌های اقتصادی استاندارد نظیر کتاب سمیونلز و مدما (۱۳۹۱) روایت نویسنده از اندیشمندان را تا حدی به برداشت شخصی نزدیک کرده است.

۲. بخش‌های مختلف یک کتاب باید مکمل هم و به نوعی خودبسنده باشند. با این وجود در برخی موارد خواننده نوعی با مباحثی مواجه می‌شود که فاقد آشنایی ذهنی با آنها است و در عین حال نویسنده هم آن را بدون توضیح گذاشته کرده است. مثلاً در حالی از مخالفت شدید کانتیون با سیستم بانکی جان لاو سخن گفته می‌شود که هیچ توضیحی در قبال چیستی آن ارائه نشده است (ص ۳۳). یا در صفحه ۲۴۹ واژه "آنارکو" را بدون هیچ توضیحی در متن رها می‌کند.

۳. در کتاب تاریخ اندیشه‌های اقتصادی، اندیشه‌ها باید همچون دانه‌های زنجیر به یکدیگر متصل ششوند، به این معنی که باید نقش هر متفکر در تاریخ اندیشه اقتصادی بیان شده و این که از چه کسانی تأثیر پذیرفته و بر چه کسانی تأثیر گذاشته است، روشن شود. کتاب حاضر این گونه نیست و خواننده نمی‌تواند ارتباط چندان منطقی بین اندیشمندان انتخاب شده پیدا کند. حتی از منطبق انتخاب این اندیشمندان نیز ناآگاه می‌ماند، چنان که ممکن بود مؤلف دیگری، حداقل نیمی از آنها را با اندیشمندان دیگری جایگزین می‌نمود.

- همچنان که مقالات جلو می‌روند، نوعی پختگی در بیان مطالب دیده می‌شود، که نشان دهنده افزایش تجربه مؤلف است. مثلاً مقالات ابتدایی عمدتاً فاقد دوره زندگی متفکر (تاریخ تولد و فوت) و خلاصه‌ای از اندیشه‌های وی است، اما این نقیصه در مقالات انتهایی کمتر دیده می‌شود، هرچند باز هم کاملاً رفع نمی‌شود.

۳.۳ نقد برون اثری

در این قسمت رویکرد نویسنده در بیان اندیشه‌های اقتصادی مورد نقد قرار می‌گیرد:

۱. یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد به نویسنده را باید عدم تصریح دیدگاه خود در خوانش اندیشه‌ها دانست. از آنجا که این کتاب بیشتر مناسب مرور اندیشه‌ها و نه تأمل در اندیشه‌هاست، مبهم گذاشتن عنوان وجهی ندارد و شاید تصریح نویسنده بر خوانش خود، موجب روشن شدن تکلیف خواننده با متن و ورود به متن با آمادگی ذهنی بیشتر می‌شد.

۲. اگرچه نویسنده به عنوان اقتصاددانی اتریشی شناخته می‌شود، اما اگر خواننده هم این مطلب را نداند و تنها با اندیشه‌های اتریشی‌ها آشنا باشد، با خواندن فصول مربوط به مارکس، فون میزس، هایک و رتبارد به خوبی به این واقعیت پی می‌برد. همچنان که این واقعیت در فصل کینز نیز قابل مشاهده است. در حالی که اقتضای بی‌طرفی علمی آن است که نویسنده از نقدهای بی‌مهابا و تمجیدهای اعجاب‌آور بپرهیزد.

۳. نویسنده فصل مارکس را بیشتر شبیه به یک بیانیه سیاسی علیه مارکسیسم نوشته است و به کرات با عباراتی نظیر "مارکس مدعی است" (ص ۹۱)، "او تحت تأثیر هگل ... مدعی می‌شود" (ص ۹۱)، "بی‌اعتنایی مارکس به ..." (ص ۹۲)، "اشتباه مهلک مارکس در تحلیل‌های اقتصادی" (ص ۹۳)؛ به توصیف اندیشه‌های مارکس می‌پردازد. پس از این توصیفات خواننده متوقع می‌شود که از زبان نویسنده دلیل این همه آفات زیان‌بار و مهلک اندیشه مارکس را بفهمد، اما خیلی زود متوجه می‌شود که نویسنده خود را ملزم به بیان دقیق اندیشه مارکس و نقادی آنها در سطح نظری نمی‌داند. برای این منظور، اولاً با استفاده از گفته‌های مارکس وی را خارج از علم اقتصاد به حساب می‌آورد چرا که "از دیدگاه مارکس، سوسیالیسم صرفاً جایگزین نظام سرمایه‌داری نیست، بلکه به‌عنوان بدیل (آلترناتیو) علم اقتصاد نیز مطرح است" (ص ۹۲) و ثانیاً با استفاده از تجربیات جهان کمونیستی به رد و طرد اندیشه وی می‌پردازد. مثلاً رفتن چین به سمت اقتصاد بازار را نتیجه فهم درست

رهبران چین از نادرستی اندیشه‌های مارکسیستی می‌داند: "بزرگ‌ترین پروژه تئوریک مارکس یعنی نشان دادن تناقض‌های درونی آشتی‌ناپذیر نظام سرمایه‌داری و فروپاشی محتوم آن، آشکارا پروژه‌ای شکست‌خورده است. واقعیات تاریخی و تجربه تلخ و مرگبار سوسیالیسم واقعاً موجود در روسیه و دیگر کشورها، ناکارآمدی و حتی ناممکن بودن سوسیالیسم را در عمل نشان داد."

نقطه مقابل اندیشه مارکس، توجه خاص به اندیشه اتریشی است که، همان گونه که گفته شد، تشکیل دهنده زیربنای فکری اثر است. این واقعیت هم از حجم مطالب اختصاص داده شده بدانها و هم بعضاً از عبارات به کار رفته در توصیف تفکر اتریشی هویدا است. برای مثال ۱۰ صفحه به فون میزس و ۱۸ صفحه به هایک اختصاص یافته است. زندگی‌نامه‌های خود به تنهایی ۵ صفحه است. به نظر می‌رسد انتخاب ساموئل بیلی، یکی از ۱۹ اندیشمند مورد بررسی، عمدتاً به دلیل نقد وی از نظریه ارزش مطلق صورت گرفته است. جملاتی که وی برای رتبارد، از اقتصاددانان مهم مکتب اتریش در آمریکا، به کار می‌برد نیز اعجاب‌انگیز است: "او با تشریح مبانی فلسفی ... بنای باشکوهی از تئوری اقتصادی را در دفاع از بازار آزاد پی می‌ریزد" (ص ۲۳۵). در صفحه ۱۸۲ پای‌بندی بوئر به نظام سرمایه‌داری را تعهد او به تفکر روشن و "حاکمی از پای‌بندی وی به رفتار اخلاقی" می‌داند و به نقل از بوکانان (ص ۱۷۴) پیتر بوئر را افشاگر دروغ‌های همتایان دانشگاهی‌اش می‌خواند و مطالعات وی درباره آفریقا را "شاهکاری از یک مطالعه کاربردی اقتصادی" می‌داند (ص ۱۷۵). آنجاکه "فریدمن از مدافعان پرشور آزادی در همه ابعاد آن از جمله آزادی سیاسی" (ص ۱۶۹) معرفی می‌شود، فراموش می‌کند که فریدمن مشاور اقتصادی پینوشه دیکتاتورشیلی هم بوده است. آنجا که نظرات آنارشیستی رتبارد جای برای دفاع باقی نمی‌گذارد مدعی می‌شود "هدفی جز سر به راه کردن دولت و وادار کردن آن به تبعیت از حکومت قانون ندارد" (ص ۲۳۹).

۴. نویسنده، آدام اسمیت را متهم می‌کند که با متشکل دانستن جامعه از طبقات متفاوت دارای منافع متعارض و دفاع از نظریه ارزش - کار، مواد لازم برای نظریه سوسیالیستی مارکس را فراهم کرده چرا که "مهم‌ترین پایه نظری استدلال‌های مارکس برای توضیح نظام سرمایه‌داری و نهایتاً تئوری استثمار او، در واقع چیزی جز نسخه پیچیده‌تری از تئوری ارزش - کار کلاسیک‌ها (اسمیت و ریکاردو) نیست"^۷. نویسنده با وجود آن که در هنگام طرح یک اندیشه نباید به سرعت و قبل از طرح دقیق آن و حتی بستر تکوین آن اندیشه، به

قضاوت در مورد درستی یا نادرستی آن بپردازد، به کرات این کار را در کتاب انجام می‌دهد. نویسنده در قامت یک اتریشی پرشور و همانند اسلاف خود، یکی از وظایف خود را مقابله شدید با اندیشه‌های مارکسیستی می‌داند. در جای دیگری در فصل معرفی مارکس به نقل از برخی از مورخان اندیشه اقتصادی (که نام آنها هم ذکر نشده!)، اسمیت به دلیل نظریه ارزش خود مسئول منحرف کردن علم اقتصاد از مسیر درست خود در طول یک دوره ۱۰۰ ساله معرفی می‌شود.^۵

۵. نویسنده کتاب در فصل آکوئینی تلاش می‌کند با کمک گرفتن از مفهوم قیمت عادلانه، بین ربا به عنوان قیمت غیرعادلانه (غبین فاحش) در شرایط غیر انحصاری و بهره پول به عنوان قیمت عادلانه در بازارهای متعارف رقابتی تمایز قائل شود. هم چنان که وود (Wood, 2004: 159) بیان می‌کند قیمت عادلانه و ربا دو بحث کاملاً متفاوت در اندیشه مدرسیان هستند و آنها گرفتن اضافه (هر نوع اضافه) را در بازپرداخت وام ناعادلانه می‌دانند. این که چگونه مدرسیان بین ربا و بهره تفکیک قائل شدند در نوشته‌های این فصل کاملاً مبهم است. به علاوه نویسنده تلاش می‌کند تمایز میان ربا و بهره توسط دو پاپ کلیسا یعنی پیوس هشتم و گرگوری شانزدهم را به اندیشه‌های آکوئیناس گره بزنند، در حالی که بین آنها بیش از ۵ قرن فاصله وجود دارد. نویسنده در دیگر آثار خود تلاش نمودهنظر خود در مورد تفاوت ماهوی بهره و ربا را برای جامعه اسلامی و فقها نیز تئوریزه نماید^۶، در حالی که در هیچ کجای فقه اسلامی بین ربای اندک (یا بهره) و ربای زیاد تفکیکی صورت نگرفته است. به همین دلیل این تلاش با واکنش شدید اقتصاددانان مسلمان روبرو شد (رجوع کنید به غنی‌نژاد و موسویان، ۱۳۸۴).

۶. در مواردی ادعاهای نویسنده، که اغلب ضمن بررسی اندیشه‌ها ارایه شده، موجب سردرگمی خواننده می‌شود و معلوم نیست این ادعاها چگونه از اندیشه‌های این فرد استخراج شده یا از اندیشه‌های کدام اندیشمند نقل می‌شود. به عنوان مثال در صفحه ۸۹ ادعا شده "توسعه سرمایه‌داری نه تنها موجب گسترش فقر و تضاد طبقاتی نشده، بلکه بر عکس با چنین توسعه‌ای فقر و نیز شکاف‌های درآمدی در کل کاهش یافته است". همچنین در صفحه ۱۷۰ و در انتهای فصل مربوط به فریدمن ادعا شده، "در واقع می‌توان گفت که انگیزه اصلی اکثر استدلال‌های مطرح شده بر ضد نظام بازار آزاد از اعتقاد نداشتن به نفس آزادی نشئت می‌گیرد"^۷.

۷. نویسنده دیدگاه‌های کینز را آنقدر سطحی مطرح می‌کند که می‌تواند به یک کشف بزرگ و آن هم خلط کینز بین پول و تجهیزات سرمایه‌ای در کتاب نظریه عمومی دست

یابد (ص ۱۰۹). جالب آن که نویسنده ظاهراً خنثی بودن سیاست‌های پولی را در دستگاه تحلیلی کینز فراموش کرده و از قول کینز ادعا می‌کند "افزایش عرضه پول می‌تواند برای مشکل کمیابی سرمایه چاره‌ساز باشد" (ص ۱۰۹). حال آنکه در بخش دیگری از فصل خود نویسنده اشاره کرده که کینز نرخ بهره را مربوط به بازار پول می‌داند و نه عرضه و تقاضای سرمایه (ص ۱۰۶). چگونه می‌توان پذیرفت که کینز تفاوت میان پول و تجهیزات سرمایه‌ای را نمی‌داند!

۴.۳ مشکلات مربوط به منابع و ارجاعات

نحوه استفاده از منابع و ارجاع‌دهی از نقدهای مهم کتاب است. نویسنده در برخی از فصول - تا آنجا که نگارندگان دریافتند - از یک منبع اصلی بهره برده و ترجمه آن را اساس نوشته خود قرار داده و از مقالات دیگر به صورت تکمیلی استفاده کرده است. در جایی که آن منبع سخنرانی نوبل آن اندیشمند بوده (مانند داگلاس نورث) این کار موجب بروز آسیب‌هایی شده است. از جمله در مور همین متفکر، تحولات بعدی اندیشه وی مغفول مانده است، چرا که اندیشه وی پس از دریافت این جایزه، شاهد تطوراتی بوده (مهدوی و نصیری‌اقدم، ۱۳۸۸) و لذا فصل مربوطه معرفی ناقصی از اندیشه وی ارائه کرده است.

بجز اشکال پیش گفته، منابع تکمیلی هم عموماً منابع دست دوم هستند که برخی از آنها - همچون منابع اینترنتی - چندان معتبر نبوده و برخی نیز بیشتر جنبه مروری دارند مثل مقاله راکول در معرفی رتبارد (ص ۲۴۱) یا منابعی که برای معرفی اندیشه کوز ذکر شده است. بر خلاف سنت رایج، نویسنده کمتر به آثار خود نویسنده رجوع کرده است. این امر به تلاش ایشان برای ارائه روایت دیگری از اقتصاد آسیب وارده کرده است، چرا که موجب اتکای وی به روایت سایر مورخان اقتصادی شده و ادعای خوانش متفاوت را کمتر باورپذیر می‌نماید؛ مثلاً: "برخی از مهم‌ترین مورخان اندیشه اقتصادی بر این عقیده‌اند که مباحث آکوئینی در اقتصاد به ویژه درباره قیمت عادلانه نقطه آغازی در طرح رویکرد مدرن به فعالیت‌های اقتصادی است" (ص ۱۲).

نکته دیگر کمبود ارجاعات در متن است چه در موارد نقل قول از دیگران و چه در مطالب نیازمند ارجاع. مثلاً مطلب پیش‌گفته در مورد آکوئینی، معلوم نیست از کدام مورخ و کدام اثر وی نقل شده است. همچنین عمده ارجاعات در آخر پاراگراف‌ها آمده است، که معلوم نیست آیا کل پاراگراف از آن منبع گرفته شده یا تنها آخرین مطلب به جای نسخه

انگلیسی بعضاً به ترجمه‌های فرانسوی ارجاع داده شده است، مثلاً ترجمه فرانسوی کتاب تاریخ تحلیل اقتصادی شومپتر (ص ۲۱) یا نظریه عمومی کینز (ص ۱۱۳)، که عمده خوانندگان ایرانی به دلیل عدم آشنایی با این زبان، توان مراجعه بدان را ندارند. در برخی موارد در ارجاع‌دهی بجای نام نویسنده در متن از نام مقاله استفاده شده است، مثلاً مقاله قدما و مدرسیان که نام نویسنده نامعلوم است (ص ۱۳). در ارجاع‌دهی در متن بر خلاف همه استانداردها، تاریخ نشر اثر ذکر نشده است. در ضمن به جز برای فریدمن که نام دو کتاب ترجمه فارسی شده وی ذکر شده، هیچ اشاره و ارجاعی به منابع فارسی نشده است.^{۱۱}

۵.۳ نقدهای نگارشی

کتاب نیازمند یک ویرایش نگارشی است، که با وجود چاپ مقالات در قالب یک متن واحد معلوم نیست چرا از آن غفلت شده است. به صورت گذرا به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌شود:

(الف) استفاده زیاد کتاب از ضمائر به صورت متوالی: برای مثال در سه خط اول پاراگراف آخر صفحه ۳۳، چهار بار از ضمائر او و وی استفاده شده است.

(ب) در برخی موارد لحن کتاب بیشتر حالت شفاهی دارد. مثلاً "این کتاب روی بنیانگذاری علم اقتصاد ... تأثیر بسزایی گذاشته است" (ص ۳۳).

(ج) معادل‌های انگلیسی یا باید در پانویس ذکر شود یا در پرانتز درون متن. نویسنده آنها را بدون پرانتز در متن آورده است. مثلاً معادل‌های *ceteris paribus* و *entrepreneur* در صفحه ۳۵.

(د) کتاب دارای اغلاط تایپی چندی است که با یک ویرایش ساده قابل برطرف شدن بودند که به برخی از آنها در قالب **نادرست (درست)**: شماره صفحه اشاره می‌شود: قرن (قرون): ۵۵؛ باسیتا (باستیا): ۸۱؛ او در از (او در): ۸۲؛ در نهایتاً تقاضای کل (نهایتاً تقاضای کل): ۱۰۱؛ سیستم سنتی دانش می‌رفت (سیستم سنتی دانش): ۱۱۷؛ منابع (منافع): ۲۷؛ دوسوتر (دسوتو): ۱۸۷.

(ه) یکی از مشکلات کتاب نداشتن زیرنویس برای اصطلاحات تخصصی است. مثلاً معلوم نیست «خردگرایی صنع‌گرا» در صفحه ۱۳۳ برابر نهاد چه اصطلاحی بوده است.

۶.۳ نقدهای ویرایشی

برخی از آسیب‌های کتاب ناشی از کنار هم گذاشتن مقالات بدون توجه به تفاوت ماهوی میان نحوه انتشار مقالات به صورت تک تک و انتشار آنها در قالب یک متن واحد است. این امر موجب شده که در کتاب برخی از مطالب بدون نیاز، تکرار شود. مثلاً حدود یک سوم مقاله گری نورث و رونالد کوز مشترک است، که در حالت مجله ای به دلیل فاصله چند ماهه بین انتشار آنها دارای توجیه بوده اما در قالب کتاب باید حذف شده و ارجاع داده می‌شد، که این کار صورت نگرفته است.

در بعضی مقالات نویسنده یک مطلب واحد را با چهره‌های متفاوتی در طول مقاله تکرار می‌کند، که هم موجب طولانی شدن مقاله و هم دلزدگی خواننده می‌شود. مثلاً مقاله بوکانان و گری نورث از این حیث آسیب دیده‌اند.

برخی اوقات رشته کلام از دست نویسنده خارج می‌شود و مطالب در سیر منطقی خود بیان نمی‌شوند. به‌عنوان نمونه در صفحات ۵۱-۵۰، به توصیف اثر مهم اسمیت پرداخته و توضیح می‌دهد که از ۵ کتاب تشکیل شده و ... "کتاب اول با فصلی درباره تقسیم کار آغاز می‌شود". اما در ادامه نویسنده از توضیح سایر فصل‌های کتاب اول و فصول سایر کتب غفلت می‌کند.

یکی دیگر از مشکلات کتاب تناسب نداشتن مقدمه و مؤخره برخی از مقالات است. مثلاً در مقدمه فصل مارکس، نویسنده سؤالات مهمی مطرح می‌کند راجع به این که چرا با وجود شکست مارکسیسم در صحنه عمل، "هنوز برخی اندیشه‌های وی هواداران جدی در میان اهل فکر و دانشگاهیان دارد؟". سؤالی که با وجود اهمیت آن، نویسنده به پاسخ آن نمی‌پردازد و لذا بهتر بود اصلاً متعرض آن نمی‌شد.

نداشتن تیتروهای فرعی برای آماده کردن ذهن خواننده، هم موجب دشوارخوانی متن کتاب شده و هم بعضاً موجب روشن نبودن تکلیف خود نویسنده با کتاب شده است. مثلاً فصل‌هایک با وجود حجم ۱۸ صفحه‌ای، حتی از یک تیترو فرعی هم بهره نبرده است!

عناوین فصول هم یکدست نیستند. در عمده عناوین فصول به اندیشه محوری آن متفکر یا نقد اصلی نویسنده به اندیشه‌های وی اشاره شده است؛ مثلاً: توماس آکوئینی و قیمت عادلانه؛ ساموئل بیلی و نقد نظریه ارزش مطلق؛ آدام اسمیت، بنیان‌گذار علم اقتصاد؟؛ کینز و نقش دولت در اقتصاد. اما عناوین فصول مربوط به فون میزس و هایک، خنثی و بدون جذابیت برگزیده شده‌اند: نگاهی به نظریات لودویگ فون میزس؛ و زندگی و اندیشه‌های هایک.

کیفیت ترجمه: اگرچه به دلیل عدم ارجاع‌دهی استاندارد نمی‌توان در مورد کیفیت ترجمه قضاوت کرد، اما با توجه به مبنا قرار گرفتن یک مقاله خارجی در نوشتن عمده فصول، می‌توان گفت ترجمه روان است، به‌علاوه ترجمه مناسب و بسیار روان بخشی از منابع، که نویسنده از آنها عین متن را گرفته است، نیز مؤید این نتیجه‌گیری است: "شام ما در سایه خیرخواهی قصاب، آبجوفروش یا نانوا به دست نمی‌آید، بلکه محصول توجه آنها به منافع خودشان است. ما به انسانیت آنها رجوع نمی‌کنیم بلکه خودخواهی آنها را مخاطب قرار می‌دهیم. (اسمیت، ۴۸)" (صفحه ۵۲).

۷.۳ تدوین مطالب

کتاب تا تبدیل شدن به یک متن استاندارد دانشگاهی راه درازی در پیش دارد، چرا که اولاً باید تناسب بین حجم فصول و اهمیت آرای نویسنده رعایت شود و ثانیاً هر فصل با چیش یکسانی مطالب خود را سامان دهد. ذیلاً به برخی موارد اشاره می‌شود:

۱. حجم فصول: مقالات عمدتاً دارای حجم یکسانی (حدوداً ۱۰ صفحه) هستند که شاید دلیل آن نوشتن به سفارش ضمیمه تحلیلی ماهانه روزنامه دنیای اقتصاد بوده است. با این وجود فصل‌هایک ۱۸ صفحه است در حالی که فصل اسمیت تنها ۱۲ صفحه است.

۲. بهتر بود نویسنده در هر فصل زندگی‌نامه مختصری از نویسنده بیان کرده و سپس اندیشه‌های اصلی وی را بررسی کرده و در صورت داشتن نقدی به آرای وی، آنها را جداگانه مطرح کرده و نهایتاً برای کمک به خوانندگان و علاقمندان به تاریخ اندیشه‌ها، در آخرین بخش به معرفی منابع چه داخلی و چه خارجی برای مطالعات بیشتر پرداخته و اگر هر منبع به جنبه خاصی از تفکر آن اندیشمند پرداخته، برای سهولت کار خوانندگان آنها را نیز ذکر کند. این روشی است که در کتب معتبر تاریخ اندیشه انجام می‌شود، مثلاً می‌توان به رُنکالیا (۲۰۰۵) اشاره کرد.

۳. از دیگر بخش‌های لازم کتاب، کمک به خوانندگان برای شناخت محیط اقتصادی است چرا که محیطی که در آن نظریه اقتصادی شکل می‌گیرد به همان اندازه ساختار منطقی خود نظریه مهم است و نباید به دام تاریخ محض نظریه اقتصادی درافتاد (Screpanti & Zamagni, 2005: vii). این در حالی است که نویسنده حتی به صورت مختصر همبستراقتصادی - اجتماعی شکل‌گیری و توسعه نظریه‌ها را توضیح نداده است. مثلاً دوره آدام اسمیت زمان شروع صنعتی شدن انگلستان است و لذا وی به تقسیم کار و تخصصی شدن شغل‌ها توجه ویژه‌ای داشته است.

۴. کار دیگری که نویسنده می‌توانست انجام دهد، نقل قطعاتی از متون دست اول بود. نویسنده اگر چه در برخی مقالات مانند اسمیت این کار را انجام داده و قطعاتی از متن کتاب ثروت ملل آدام اسمیت را نقل می‌کند، اما کلاً بنایش بر این کار نیست. این روش به ویژه برای کتب تاریخ عقائدی که مبتنی بر آرای اندیشمندان هستند نه مکاتب، مناسب‌تر است. مثلاً سمیونلز و مدما (۱۳۹۱) به کمک همین روش، آرای ۳۲ اندیشمند اقتصادی از ارسطو تا کامونز را مطرح می‌کنند.

۴. نقاط مثبت کتاب

با وجود نقدهای پیش گفته، کتاب مورد بررسی، بسیار روان و جذاب نگارش یافته است. در انتخاب اندیشمندان و پررنگ کردن بخش‌هایی خاص از اندیشه آنها دقت زیادی شده است. تسلط نویسنده بر مباحث معرفتی و روش‌شناسانه، کتاب را به یک متن سیر اندیشه اقتصادی نزدیک کرده است و از کتب اقتصاد خرد و کلان فاصله زیادی گرفته است. سعی شده مخاطب آن همه روشنفکران و نه صرفاً اقتصادخوانده‌ها باشند. لذا کمتر وارد مباحث عمیق نظری شده و به ارایه روایتی مختصر از بخش‌هایی از اندیشه‌های اقتصادی اندیشمندان منتخب بسنده کرده است. خوانندگان این کتاب بدون مواجهه با زبان پرتکلف مورد استفاده در متون تخصصی دانش اقتصاد، با بخش وسیعی از اندیشه‌های اقتصاددانان طرفدار نظام سرمایه‌داری آشنا می‌شوند و از موضع آنها در مقابل سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان، پرداخت یارانه توسط دولت، ورود دولت به بازار مسکن و ... مطلع می‌شوند و با راه‌حل واحد اقتصاددانان لیبرال به‌منظور برون‌رفت از توسعه نیافتگی با توصیفات متفاوت و از زبان چند نفر آشنا می‌شوند. آنها در می‌یابند که "چگونه انحصارات دولتی، تحت عنوان عوام‌فریبانه، ... تولیدکنندگان و تاجران ... را به روز سیاه نشانده و تنها منافع عده‌ای از سیاستمداران و دیوان‌سالاران را تأمین می‌کردند" (ص ۱۸۱).

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی مؤلف در این کتاب، ایجاد خوانشی متفاوت از سیر اندیشه اقتصادی است و برای این هدف، بدون آن که تصریح کند، از آموزه‌های مکتب اتریشی بهره می‌برد. کتاب با وجود نقاط مثبت خود (همچون متن روان، انتخاب متفکران صاحب فکر، و پرهیز از روایت‌گری استاندارد خنثی و کسل‌کننده دیگر کتب)، برای تبدیل شدن به یک کتاب

تأثیرگذار به زبان فارسی باید ویرایش‌های چندگانه شکلی، محتوایی و علمی را پشت سر بگذارد. به ویژه در زمینه علمی لازم است، از زبان ایدئولوژیک در نقد اندیشه‌های متفکرانی همچون مارکس و تا حدی کینز دست شسته و ابتدا نظریات آنها را عمیقاً مطرح کرده و سپس از منظر علمی به نقد آرا بپردازد. همچنین بستر و زمینه اجتماعی و اقتصادی تکوین اندیشه‌ها را مطرح کرده و از ارزش دآوری نظریه‌ها بپرهیزد.

پی‌نوشت‌ها

۱. برداشت دیگر از این جمله کینز که "مردان عمل که خود را فارغ از نفوذهای عقیدتی تصور می‌کند، معمولاً برده چند اقتصاددان گذشته هستند (کینز، ۱۹۳۶). این مطلب در فصل کینز کتاب حاضر (ص ۱۰۰) هم آمده است.
۲. البته کتاب دادگر (۱۳۸۹) نیز به استانداردهای کتاب‌های سیر اندیشه اقتصادی نزدیک است.
۳. حتی متعرض دفاع نورث از اقتصاد مسیحی هم نمی‌شود.
۴. نوشته‌های خود اندیشمند و نه مفسران وی.
۵. این ادعا بر اساس عدم ارجاع داخل متن به آنها مطرح می‌شود.
۶. آنهایی که تمام قد از نظام سرمایه‌داری دفاع نمی‌کنند و معتقد به نقش مثبت دولت در اقتصاد هستند.
۷. در اینجا اسمیت و ریکاردو متهم به همکاری با مارکس هستند! و تنها مانده که نویسنده مجازات آنها را تعیین کند.
۸. اگر جامعه علمی آماده شنیدن چنین نظریه‌ای است و آن را تلقی به قبول کرده و در آن چون و چرا نمی‌کند، اندیشمند چه گناهی دارد؟ وی یافته‌های اندیشه‌ای خود را بیان می‌کند. به‌علاوه پیشرفت اندیشه بشری از همین تضارب و رد و قبول آرای مختلف نتیجه می‌شود و همان‌گونه که نظریات درست در آن نقش دارند، نظریات نادرست نیز نقش دارند، چرا که راه را برای رسیدن به نظریات درست باز می‌کنند. هم چنان که میلتون فریمن معتقد است «علم بطور کلی از طریق تجربیات ناموفق پیشرفت می‌کند» (وین و اسنودان، ۱۳۹۴، ص ۱۱).
۹. تا مشکل جهان اسلام با بهره را حل و فصل نماید!
۱۰. گویی که فریدمن باب صحبت را باز نموده تا نویسنده بتواند با هیجان خاصی نظرات خود را به مخاطب عرضه کند!
۱۱. شاید اگر نویسنده مجموعه سخنرانی‌های رایبیز (۱۳۸۴) را که به فارسی هم ترجمه شده مورد ارجاع قرار می‌داد، با احتیاط بیشتری رویکرد تک‌خوانشی در روایت‌گری اندیشه‌های اقتصادی را برمی‌گزید.

کتابنامه

- ایسینگ، اوتمار و همکاران (۱۳۷۴). *تاریخ عقاید و اندیشه‌های اقتصادی*. ترجمه هادی صمدی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مؤسسه تحقیقات اقتصادی.
- باربر، ویلیام (۱۳۷۰). *سیر اندیشه‌های اقتصادی: بررسی تطبیقی مکتب‌های کلاسیک و نئوکلاسیک و مارکس و کینز*. ترجمه حبیب‌الله تیموری. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- بلاگ، مارک (۱۳۷۵). *اقتصاددانان بزرگ (قبل از کینز)*. ترجمه غلامعلی فوجادی. تهران: وثقی.
- تفضلی، فریدون (۱۳۸۶). *تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)*. تهران: نشر نی.
- دادگر، یدالله (۱۳۸۹). *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی (آزمونی مجدد)*. قم: دانشگاه مفید.
- رایبیز، لیونل (۱۳۸۴). *تاریخ اندیشه اقتصادی: سخنرانی‌های ISE*. ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی). تهران: نشر نی.
- زید، شارل و ریست، شارل (۱۳۸۱). *تاریخ عقاید اقتصادی*. ترجمه کریم سنجابی. تهران: دانشگاه تهران. دو جلد.
- سمیونلز، وارن جی. و مدها، استیون جی. (۱۳۹۱). *تاریخ اندیشه اقتصادی از ارسطو تا جان استوارت میل*. [پیش از میلاد تا سده نوزدهم]. ترجمه محمدحسین وقار. تهران: نشر مرکز.
- شومپتر، یوزف آلوئیس (۱۳۷۵). *تاریخ تحلیل اقتصادی*. ترجمه فریدون فاطمی. تهران: نشر مرکز.
- غفاری، هادی و علی چنگی‌آشتیانی (۱۳۸۹). *تاریخ عقاید اقتصادی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- غنی‌نژاد، موسی (۱۳۹۱). *اقتصاد به روایت دیگر*. تهران: انتشارات دنیای اقتصاد.
- غنی‌نژاد، موسی و سیدعباس موسویان (۱۳۸۴). *بهره یا ربا؟ گفتگو درباره مفاهیم بهره و ربا*. تهران: نشر نگاه معاصر.
- قدیری اصلی، باقر (۱۳۷۶). *سیر اندیشه اقتصادی*. تهران: دانشگاه تهران.
- مهدوی، ابوالقاسم و علی نصیری‌اقدم (۱۳۸۸). «تطور برنامه پژوهشی یک اقتصاددان نهادگرا: داگلاس سیسیل نورث»، *جستارهای اقتصادی*، دوره ۶، ش ۱۲، ص ۱۴۹-۱۷۴.
- واگی، جیانی و گروئونگن، پیتر (۱۳۸۷). *تاریخ مختصر اندیشه اقتصادی از مرکانتیلیسم تا پول باوری*. ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی). تهران: نشر نی.
- وین، هوارد آر. و اسنودان، برایان (۱۳۹۴). *اقتصاد کلان جدید: منشاء، سیر تحول و وضعیت فعلی*. ترجمه علی سوری و منصور خلیلی عراقی. تهران: سمت.

Landreth, Harry & David C. Colander (2002), *History of Economic Thought*, 4th edition, Boston: Houghton Mifflin Company.

Martin, Adam (2015). *Austrian Methodology: A Review and Synthesis*. in: Peter J. Boettke, Christopher J. Coyne, *The Oxford Handbook of Austrian Economics*, Oxford University Press.

- Roncaglia, Alessandro (2005). *The Wealth of Ideas: A History of Economic Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rothbard, Murray N. (1995). *An Austrian Perspective on the History of Economic Thought*. 2 Volume, Ludwig von Mises Institute.
- Screpanti, Ernesto & Zamagni, Stefano (2005). *An Outline of the History of Economic Thought*. 2nd edition, Translated by David Field and Lynn Kirby. Oxford: Oxford University Press.
- Wood, Diana (2004). *Medieval Economic Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.

